راهبرد سال ۹۵

تقویت تولید داخلی

اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل

حل مشکل رکود

رفع بیکاری

محور کرانی

سال ۹۵

اگر اقتصاد مقاومتی شد، تحریم دشمن تأثیر قابل توجّهی نخواهد کرد. این میشود حرکت انقلابی

بیانات مهم مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (ع) (۱ فروردین ۹۵)

بسم الله الرحمن الرحیم

شناسنامه

- **موضوع :** راهبرد سال ۱۳۹۵ - "اقتصادمقاومتی،اقدام و عمل"

- **بیانات :** امام خامنه ای در جمع زائران

- **تاریخ :** ۱ فروردین ۱۳۹۵ / حرم مطهر رضوی (ع)

- **کلمات کلیدی : اقتصاد + سیاست دوراهی + آمریکا + برجام + سیرت جمهوری اسلامی + خسارت + رژیم طاغوت + مقاومت + انگلیس + اعتماد به نفس ملی + جدایی دین از سیاست + تحریم + تولید داخلی + خریدهای خارجی + کار انقلابی + مسائل فرهنگی**

دریافت دیگر جزوات و ارائه ی نظرات :

Markazejozveh.ir

جهت اطلاع از تولید دیگر جزوات کد این جزوه به همراه **نام شهر خود** را به سامانه پیامکی مرکز ارسال نمایید :

کد این جزوه : ۱۰۲۵ 50001333331388

فهرست

علت انتخاب شعار اقتصادی برای سال۹۵..... ۵

تزریق سیاست دو راهی در میان ملت..... ٦

کنار آمدن با دولت آمریکا ، به‌معنای قبول تحمیل‌های آن دولت است..... ٦

حرف طرف مقابل..... ۷

برجام ۲ و ۳ و ٤ و الی‌غیرذلک!! ۷

معنای برجام های متعدد..... ۸

قضیه به اینجاها ختم نمیشود!!..... ۸

دشمن تغییر سیرت جمهوری اسلامی را میخواهد..... ۹

مذاکره با آمریکا ؛ خسارت محض..... ۹

چند جمله خطاب به جوانان که رژیم طاغوت را درک نکرده اند..... ۱۰

ملت های دیگر هم از ملت ایران مقاومت را یاد گرفتند..... ۱۰

اوّل انگلیس‌ها، بعد هم آمریکایی‌ها!! ۱۱

سنگرهایی را که به دست انقلاب و انقلابیون منهدم شد:..... ۱۱

۱-رژیم دست‌نشانده‌ی طاغوت..... ۱۱

۲- ترس از قدرتها..... ۱۲

۳-نداشتن اعتمادبه‌نفس ملّی..... ۱۳

٤-جدایی دین از سیاست ۱٤

من که میگویم«دشمن »، مقصودم دولت آمریکا است؛ تعارف هم نمی کنم!... ۱٤

ادامه فهرست

واقعیت های موجود:..... ۱۵

۱-ظرفیتهای فراوان و سرمایه‌های فراوانی که در کشور ما وجود دارد..... ۱۵

۲-آمریکا به دلایل واضحی با ما دشمن است..... ۱۵

۳-ابزارهای دشمنی این دشمنِ بظاهر مقتدر نامحدود نیست..... ۱۶

دشمن احساس کرده است که با ابزار تحریم می تواند بر ملّت ایران فشار بیاورد..... ۱۶

برای مقابله با تحریم چه‌کار باید بکنیم؟ ۱۶

کارهایی که باید در زمینه اقدام و عمل انجام بگیرد:..... ۱۷

۱-شناسایی فعّالیتها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور و تمرکز بر آنها..... ۱۷

۲-زنده کردن تولید داخلی..... ۱۷

۳-خریدهای خارجی ما، قدرت تولید داخلی ما را تضعیف نکند..... ۱۸

٤-پرهیز از هدر دادن منابع مالی خارج از کشور که قرار است برگردد..... ۱۸

٥-بخشهای حسّاس و مهم اقتصاد ، دانش‌بنیان بشود..... ۱۸

٦-بهره‌برداری از بخش های اقتصادی که قبلا در آنها سرمایه گذاری شده است..... ۱۹

۷-در همه‌ی معاملات خارجی ، انتقال فنّاوری را شرط کنیم..... ۱۹

۸-مبارزه جدی با فساد ، ویژه خواری و قاچاق ۱۹

۹-ارتقای بهره‌وری از انرژی..... ۲۰

۱۰-نگاه ویژه به صنایع متوسّط و کوچک..... ۲۰

سه قوّه باید با یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم هم باید کمک کنند..... ۲۱

در هرجایی که کار انقلابی کردیم، هم سرعت داشت، هم موفّقیت داشت..... ۲۱

بنده به مسائل فرهنگی بسیار اهمّیت میدهم..... ۲۲

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداة المهدیین المعصومین سیما بقیة الله فی الارضین. اللّهمّ صلّ علی فاطمة بنت محمّد اللّهمّ صلّ علی فاطمة بنت رسولک و زوجة ولیک الطّهرة الطّاهرة المطهّرة التّقیة النّقیة الزّکیة سیدة نساء اهل الجنّة اجمعین. اللّهمّ صلّ علی ولیک علی بن موسی صلاةً دائمةً بدوام ملکک و سلطانک، اللّهمّ سلّم علی ولیک علی بن موسی سلاماً دائماً بدوام مجدک و عظمتک و کبریائک.

خداوند متعال را سپاسگزاریم که یک بار دیگر این توفیق را به ما عنایت کرد که در آغاز سال هجری شمسی با شما مردم عزیز مشهد و زوّار گرامی و عزیزی که از اکناف کشور به این آستان مقدّس سفر کرده‌اید، دیدار داشته باشم. اوّلاً سال جدید را مجدّداً به همه‌ی برادران و خواهران تبریک عرض میکنم.

این سال، دارای این خصوصیت است که هم در آغازِ آن، ولادت با سعادت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است – برحسب ماه‌های قمری – و هم بار دیگر در پایان این سال، مصادف است با همین ولادت مکرّم و معزّز. از خداوند متعال میخواهیم که به یمن وجود فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) که بانوی دو سرا و سیده‌ی نساء عالمین است، این سال را برای ملّت ایران و برای همه‌ی مسلمانان عالم و محبّان اهل‌بیت مبارک کند و از برکات این ولادت مکرّم، ان‌شاءالله همه استفاده کنند و بهره ببرند.

تنها کمبودی که امسال در این سفر و در این جلسه احساس میکنیم، فقدان برادر عزیزمان جناب آقای طبسی، (۱) عالم مجاهد و مبارز و خدمتگزارِ بااخلاص این بارگاه مقدّس است. وجود ایشان وجود مغتنمی بود؛ جزو سابقین انقلاب محسوب میشدند و فقدان ایشان برای همه‌ی کسانی که ایشان را می‌شناختند، به معنای حقیقی کلمه یک ضایعه‌ی بزرگ است. از خداوند متعال میخواهیم که روح مطهّر ایشان را در سایه‌ی الطاف حضرت ابالحسن الرّضا (سلام الله علیه) قرار بدهد و از رحمت خود و مغفرت خود برخوردار کند.

علت انتخاب شعار اقتصادی برای سال۹۵

بحث امروز را از شعار امسال آغاز میکنم و در ادامه ان‌شاءالله توضیحاتی را برای شما برادران و خواهران عزیزی که تشریف دارید و برای کسانی که این صحبتها را بعداً خواهند شنید عرض خواهم کرد. مایلم بحثی که انجام میگیرد، یک بحث متقن و منطقی باشد؛ امروز بحثهای شعاری جایگاه زیادی در ذهن مردم ما ندارد؛ مردم ما، جوانان ما، آحاد جامعه‌ی ما فهیمند و به مسائل با چشم منطق و استدلال نگاه میکنند. آنچه عرض میکنیم مایلیم که برای افکار مردم عزیز ما به‌صورت یک بحث متقن و منطقی عرضه بشود. علّت اینکه [شعار] امسال را هم شعار اقتصادی انتخاب کردیم، (۲) یک تحلیل و

امروز بحث های شعاری جایگاه زیادی در ذهن مردم ما ندارد؛ مردم ما، جوانان ما، آحاد جامعه ی ما فهیمند و به مسائل با چشم منطق و استدلال نگاه می کنند.

یک نگاه به مجموعه‌ی مسائل کشور است. شاید در ذهن بعضی میگذشت که ترجیح دارد که شعار امسال یک شعار فرهنگی باشد، یا یک شعار اخلاقی باشد لکن با توجّه به مجموعه‌ی مسائل کشور به نظر رسید امسال هم مثل چند سال دیگرِ قبل از این، شعار سال را که باید به‌صورت گفتمانی در میان مردم و افکار عمومی کشور رواج پیدا کند، یک شعار اقتصادی قرار بدهیم. این تحلیل را من عرض میکنم و مایلم جوانان عزیز ما آنچه را می‌شنوند پیش خودشان تجزیه‌وتحلیل کنند و بر روی آن فکر کنند.

تزریق سیاست دو راهی در میان ملت

در این مقطع زمانی، سیاستهای استکبار و بخصوص و به‌طور خاص سیاستهای آمریکا اقتضا میکند که یک تفکری تزریق بشود در میان ملّت ما؛ اوّل در میان نخبگان جامعه و بعد از آن بتدریج به افکار عمومی منتقل بشود؛ یک تفکر خاصّی تزریق بشود به افکار عمومی. آن سیاستی که مورد نظر آنها است این است که وانمود کنند ملّت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره‌ای ندارد جز اینکه یکی از این دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از اینکه یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به‌طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمّل کنند؛ یکی از این دو را ملّت ایران باید انتخاب کند؛ این چیزی است که آنها میخواهند.

می خواهند وانمود کنند ملّت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره‌ای ندارد جز اینکه یکی از این دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از اینکه یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمّل کنند؛

کنار آمدن با دولت آمریکا ، به‌معنای قبول تحمیل‌های آن دولت است

[البتّه] کنار آمدن با آمریکا به‌معنای کنار آمدن با هیچ دولت دیگری نیست. چون دولت آمریکا دارای ثروت، دارای دستگاه‌های تبلیغاتی وسیع، دارای سلاحهای خطرناک و دارای امکانات بسیاری است، کنار آمدن با دولت آمریکا ناگزیر، به‌معنای قبول تحمیل های آن دولت است. طبیعت توافق با آمریکا همین است؛ همه‌جا همین‌جور است؛ کشورهای دیگر هم که در هر مسئله‌ای با آمریکا توافق میکنند، معنایش این است که از مواضع خودشان به‌نفع طرف مقابل عقب‌نشینی میکنند بدون اینکه طرف مقابل به‌نفع آنها یک عقب‌نشینی قابل‌توجّهی انجام بدهد. در همین توافق اخیر هسته‌ای هم اگرچه این توافق را ما تأیید کردیم و برگزارکنندگان این توافق را مورد قبول اعلام کردیم و قبول داریم آنها را، لکن اینجا هم همین‌جور بود؛ وزیر خارجه‌ی محترم ما در مواردی به بنده گفت که ما [مثلاً] اینجا را یا این خطّ قرمز را دیگر نتوانستیم حفظ کنیم. معنای این همین است؛ یعنی وقتی طرف مقابل یک دولتی مثل آمریکا است که وسایل تبلیغ دارد، امکانات دارد، پول دارد، دیپلماسی فعّال دارد، عوامل گوناگونی در اطراف دنیا دارد، دولتهایی که به آنها فشار می‌آورد در اختیارش هستند، کنار آمدن با او به‌معنای صرف‌نظر کردن از برخی از چیزهایی است که

انسان بر آنها پای میفشرد. این یک دوراهی است که طبق سیاستهای آمریکا که میخواهند در ذهن ملّت ما تزریق بکنند، یک دوراهی ناگزیر است؛ یک دوگانه‌ی اجتناب‌ناپذیر است: یا باید در مقابل آمریکا و خواستهای او در موارد بسیاری کوتاه بیاییم، یا باید فشارهای آمریکا را، تهدیدهای آمریکا را، ضررهای ناشی از مخالفت با آمریکا را تحمّل کنیم. اینها میخواهند این را به‌صورت یک گفتمانی در بین نخبگان جامعه ترویج کنند و بتدریج آن را در میان مردم و افکار عمومی سرریز کنند. در داخل کشور و خارج کشور، این فکر را دارند ترویج میکنند و به شکلهای گوناگونی، با بیانهای مختلفی، در وسایل ارتباطجمعی دنیا دارند گسترش میدهند؛ کسانی را می گمارند برای اینکه بتوانند این فکر را در میان ملّت ما گسترش بدهند. البتّه در داخل هم همین‌طور که عرض کردیم، کسانی هستند که این فکر را قبول دارند و قبول کرده‌اند و تلاش می کنند که آن را به دیگران هم بقبولانند.

طرف مقابل میگوید ایران دارای ظرفیتهای فراوان اقتصادی است و هدف از توافق هسته ای این بود که کشور ایران بتواند از این ظرفیتها استفاده کند؛ خب، این توافق انجام گرفت لکن این توافق کافی نیست و مسائل دیگری هم هست که در آنها هم بایستی ملّت ایران، دولت ایران، مسئولین ایران تصمیم بگیرند و اقدام بکنند

حرف طرف مقابل...

درست توجّه کنید تا من توضیح بدهم؛ من حرف طرف مقابل را بگویم، بعد آنچه را اقتضای حق و حقیقت است بیان کنم. حرف طرف مقابل یعنی همان دستگاه تبلیغاتی و فکرساز و جریان‌ساز، این است که میگوید ایران دارای ظرفیتهای فراوان اقتصادی است و هدف از توافق هسته ای این بود که کشور ایران بتواند از این ظرفیتها استفاده کند؛ خب، این توافق انجام گرفت لکن این توافق کافی نیست و مسائل دیگری هم هست که در آنها هم بایستی ملّت ایران، دولت ایران، مسئولین ایران تصمیم بگیرند و اقدام بکنند؛

برجام ۲ و ۳ و ۴ و الی‌غیرذلک!!

مثلاً فرض بفرمایید امروز در منطقه‌ی غرب آسیا – یعنی همین منطقه‌ای که غربی‌ها به آن میگویند خاورمیانه – جنجالها و آشفتگی‌های بسیاری هست؛ خب، این مشکل برای کلّ منطقه است و اگر میخواهید کشور شما از این مشکل نجات پیدا کند، باید سعی کنید این جنجالها فرو بنشیند. چه‌کار کنیم؟ با آمریکا همکاری کنیم، همفکری کنیم، جلسه کنیم، بنشینیم، گفتگو کنیم و یک مدلی را طبق میل آمریکایی‌ها یا طبق توافق آمریکایی‌ها انتخاب کنیم؛ یکی دیگر هم این است.

یا ما مشکلات دیگری داریم، اختلافات زیادی با آمریکا داریم، این اختلافات را باید حل کنیم، این اختلافات بایستی تمام بشود؛ حالا در حلّ این اختلافات، فرض بفرمایید که ملّت ایران مجبور باشد از اصول خود صرف‌نظر کند، از خطّ قرمزهای خود هم صرف‌نظر کند، بکند؛ طرف مقابل از اصول خود و ارزشهای خود تنازل نمی کند لکن اگر لازم شد، ما باید تنازل کنیم تا مشکلات را برطرف کنیم؛ تا درنتیجه کشور بتواند از ظرفیتهای خود استفاده کند و مثلاً به یک

اقتصاد برجسته‌ای مبدّل بشود. حرفشان این است. بنابراین در قضیه‌ی هسته‌ای توافق شد و اسم این را گذاشتیم «برجام»؛ برجام دیگری در قضایای منطقه، برجام دیگری در قضایای قانون اساسی کشور؛ برجام ۲ و ۳ و ۴ و الی‌غیرذلک بایستی به‌وجود بیاید تا ما بتوانیم راحت زندگی کنیم. این منطقی است که سعی میکنند این منطق را در بین نخبگان جامعه و از سوی نخبگان جامعه به افکار عمومی جامعه منتقل کنند.

در قضیه ی هسته ای توافق شد و اسم این را گذاشتیم «برجام»؛ برجام دیگری در قضایای منطقه، برجام دیگری در قضایای قانون اساسی کشور؛ برجام ۲ و ۳ و ٤ و الی غیرذلک بایستی به‌وجود بیاید تا ما بتوانیم راحت زندگی کنیم. این منطقی است که سعی میکنند این منطق را در بین نخبگان جامعه و از سوی نخبگان جامعه به افکار عمومی جامعه منتقل کنند.

معنای برجام های متعدد

معنای این حرف چیست؟ معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائل اساسی‌ای که به حکم اسلام و به حکم برجستگی‌های نظام جمهوری اسلامی پایبند به آنها است، صرف‌نظر کند: از مسئله‌ی فلسطین صرف‌نظر کند، از حمایت از مقاومت در منطقه صرف‌نظر کند، از مظلومان منطقه – مثل ملّت فلسطین، مثل مردم غزّه، مثل مردم یمن، مثل مردم بحرین – پشتیبانی و حمایت سیاسی نکند، و نظام جمهوری اسلامی با تعدیل خواسته‌های خود، خود را به آنچه طرف مقابل یعنی آمریکا به دنبال تحقّق آن است، نزدیک بکند. معنای این حرف این است که همچنان‌که امروز بعضی از کشورهای منطقه و دولتهای منطقه، علی‌رغم حکم اسلام و علی‌رغم خواست ملّتهایشان با رژیم صهیونیستی کنار آمده‌اند و مسئله‌ی فلسطین را تحت‌الشّعاع مسائل دیگر قرار داده‌اند، جمهوری اسلامی هم به همین ترتیب عمل کند؛ معنایش این است که همچنان‌که امروز بعضی از دولتهای عربی با کمال وقاحت، دست دوستی به سمت دشمن صهیونیستی دراز میکنند، جمهوری اسلامی هم با دشمن صهیونیستی کنار بیاید و آشتی کند.

قضیه به اینجاها ختم نمیشود!!

البتّه قضیه به اینجاها ختم نمیشود؛ معنای آنچه در آن تحلیل سیاسی دشمن ادّعا می شود، این است که اگر میل آمریکا است، جمهوری اسلامی حتّی از ابزارهای دفاعی خود هم صرف‌نظر کند. می‌بینید که بر روی مسئله‌ی موشکها چه جنجالی در دنیا به راه انداخته اند که چرا جمهوری اسلامی موشک دارد، چرا موشک دوربُرد دارد، چرا موشکهای جمهوری اسلامی هدف را دقیق میزنند و هدف قرار میدهند، چرا آزمایش کردید، چرا تمرین نظامی میکنید، و چرا و چرا و چرا. حالا آمریکایی‌ها در منطقه‌ی خلیج‌فارس که چند هزار کیلومتر با کشور آنها فاصله دارد، هر چند وقت یک بار با یکی از کشورهای منطقه رزمایش به راه می‌اندازند – درحالی‌که آنها در اینجا هیچ مسئولیتی ندارند – [امّا] جمهوری اسلامی که در خانه‌ی خود، در محیط خود و در حریم امنیت خود رزمایش میکند، جنجال اینها بلند میشود که چرا رزمایش کردید، چرا اقدام کردید، چرا نیروی دریایی شما یا نیروی هوایی شما این اقدامها را کردند. معنای آن تحلیل دشمن این است که از همه‌ی اینها بایستی صرف‌ِ نظر

بکنیم. قضیه از این هم بالاتر است؛ تدریجاً موضوع را به این خواهند کشاند که اصلاً چرا نیروی قدس تشکیل شده است، چرا سپاه تشکیل شده، چرا سیاستهای داخلی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی، باید با اسلام تطبیق داده بشود؛ مطلب به اینجاها میرسد.

دشمن تغییر سیرت جمهوری اسلامی را میخواهد

شما وقتی در مقابل دشمن، درحالی‌که میتوانید ایستادگی کنید – که بعداً عرض خواهم کرد – عقب‌نشینی کردید، دشمن جلو می‌آید – دشمن متوقّف نمیشود – و کم‌کم کار را به اینجا میرسانند که اینکه شما میگویید دولت جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی و قوّه ی قضائیه باید برطبقِ احکام اسلام و شریعت اسلامی باشد، اینها برخلاف آزادی است و لیبرالیسم اینها را قبول ندارد؛ کم‌کم به اینجاها میرسد. اگر عقب‌نشینی کردیم، عقب‌نشینی به این نقطه‌ها منتهی خواهد شد که [بگویند] شورای نگهبان چه نقشی در جامعه دارد و چرا باید شورای نگهبان به‌خاطر مخالفت با شرع قوانین را بردارد؟ حرف اینجا است. این همان چیزی است که بنده بارها عرض کرده‌ام که این، تغییر سیرت جمهوری اسلامی است. **ممکن است صورت جمهوری اسلامی محفوظ بماند امّا از محتوای خود بکلّی تهی بشود؛ دشمن این را میخواهد.** بنابر این تحلیل دشمن‌خواسته و بنابر این تحلیلی که آنها دارند در اذهان نخبگان و افکار عمومی ملّت تزریق میکنند، اگر جمهوری اسلامی و ملّت ایران میخواهد از شرّ آمریکا راحت بشود، باید از محتوای جمهوری اسلامی دست بردارد، از اسلام دست بردارد، از مفاهیم اسلامی دست بردارد، از امنیت خود دست بردارد.

تدریجاً موضوع را به این خواهند کشاند که اصلاً چرا نیروی قدس تشکیل شده است، چرا سپاه تشکیل شده، چرا سیاستهای داخلی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی، باید با اسلام تطبیق داده بشود؛ مطلب به اینجاها میرسد. شما وقتی در مقابل دشمن، درحالی که میتوانید ایستادگی کنید، عقب نشینی کردید، دشمن جلو می‌آید

مذاکره با آمریکا ؛ خسارت محض

آنچه در این تحلیل مفقود است و نادیده گرفته شده است، چند مطلب است که من به یکی از آنها اشاره میکنم و آن این است که در همین توافقی هم که ما با آمریکایی‌ها در قضیه‌ی پنج بعلاوه‌ی یک و مسئله‌ی هسته‌ای کردیم، آمریکایی‌ها به آنچه وعده داده بودند عمل نکردند و کاری را که باید میکردند انجام ندادند. بله، به تعبیر وزیر خارجه‌ی محترم ما، روی کاغذ کارهایی را انجام دادند امّا از راه‌های انحرافی متعدّد، جلوی تحقّق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند. شما نگاه کنید امروز در سرتاسر کشورهای غربی و کسانی که تحت تأثیر آنها هستند، همچنان معاملات بانکی ما دچار مشکل است، بازگرداندن ثروتهای ما در بانک‌های آنها دچار مشکل است، معاملات گوناگون تجاری‌ای که احتیاج به دخالت بانک‌ها دارد دچار مشکل است؛ وقتی دنبال میکنیم، تحقیق میکنیم و میگوییم چرا این‌جور است، معلوم میشود از آمریکایی ها میترسند. آمریکایی‌ها گفته‌اند که ما تحریمها را برمیداریم و روی کاغذ هم برداشتند امّا از طرق دیگر جوری عمل میکنند که اثر رفع تحریمها مطلقاً به‌وجود نیاید و تحقّق پیدا نکند. بنابراین، کسانی که امید میبندند به اینکه بنشینیم با آمریکا در فلان مسئله مذاکره کنیم و به یک

نقطه‌ی توافقی برسیم – یعنی ما یک تعهّدی بکنیم، طرف مقابل هم یک تعهّدی بکند – از این غفلت میکنند که ما ناگزیر باید به همه‌ی تعهّدهای خود عمل کنیم [امّا] طرف مقابل با طُرق مختلف، با شیوه‌های مختلف، با خدعه، با تقلّب سر باز میزند و به تعهّدهایی که کرده است عمل نمیکند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت محض.

کسانی که امید می بندند به اینکه بنشینیم با آمریکا در فلان مسئله مذاکره کنیم و به یک نقطه ی توافقی برسیم از این غفلت می کنند که ما ناگزیر باید به همه‌ی تعهّدهای خود عمل کنیم [امّا] طرف مقابل با طُرق مختلف، با خدعه، با تقلّب سر باز میزند و به تعهّدهایی که کرده است عمل نمیکند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می بینیم؛ یعنی خسارت محض.

چند جمله خطاب به جوانان که رژیم طاغوت را درک نکرده اند

امّا مسئله از این هم بالاتر است. لازم است من به جوانهای عزیز که رژیم طاغوت را درک نکرده‌اند و دوران طاغوت را ندیده‌اند و نمیدانند که چه اتّفاقی با پیروزی انقلاب در این کشور افتاد، چند جمله‌ای را عرض بکنم. ببینید؛ در این منطقه‌ای که ما زندگی میکنیم – منطقه‌ی غرب آسیا – کشور عزیز شما ایران، گُل منطقه است؛ از لحاظ جایگاه راهبردی و به تعبیر رایجْ موقعیت استراتژیکی، یک کشور بی‌نظیر است؛ از لحاظ منابع فراوان نفت و گاز در همه‌ی این منطقه و با یک نگاه از همه‌ی دنیا امتیاز دارد؛ غیر از نفت و گاز، منابع فراوان دیگری هم هست. کشوری است بزرگ، با جمعیتی مستعد و مردمی بااستعداد، با تاریخی غنی. اینجا گُل منطقه است؛ این گُل منطقه یک روزی یکجا و به‌طور کامل در قبضه‌ی آمریکا بوده است و هرکاری آمریکایی‌ها میخواستند نسبت به این کشور و در این کشور انجام بدهند میکردند: غارت میکردند، ثروتهایش را میبردند؛ همه‌ی کارهایی که یک دولت استعمارگر و یک دولت مستکبر با یک کشور ضعیف انجام میدهد، اینها در این کشور انجام میدادند و اینجا را در قبضه‌ی خودشان و در پنجه‌ی اقتدار خودشان داشتند، انقلاب آمده است این کشور را از پنجه‌ی آنها بیرون کشیده، [لذا] کینه‌ی انقلاب از دل سیاست آمریکا خارج نمیشود. آن‌وقتی دشمنی اینها تمام میشود که بتوانند همان سلطه را بار دیگر در این کشور تجدید کنند؛ هدف این است و دنبال این هستند. البتّه سیاستمدارند، دیپلماتند، کار سیاسی را بلدند و میدانند هر هدفی و مقصودی یک راهی دارد و باید بتدریج حرکت کرد و از راهش وارد شد؛ دارند این کار را میکنند. ما باید چشممان باز باشد، ما باید حواسمان جمع باشد.جمهوری اسلامی نه‌فقط ایران را از دست اینها خارج کرد بلکه با روحیه‌ی مقاومتی که نشان داد و دلیری‌ای که نشان داد – که حالا بعد عرض خواهم کرد – موجب تشویق کشورهای دیگر هم شد.

ملت های دیگر هم از ملت ایران مقاومت را یاد گرفتند

امروز شما ببینید در کشورهای متعدّدی در این منطقه و حتّی فراتر از این منطقه «مرگ بر آمریکا» می گویند، پرچم آمریکا را آتش میزنند. ملّت ایران نشان داد که میتواند مقاومت بکند، ملّتهای دیگر [هم] یاد گرفتند و سررشته از دست آمریکا خارج شده است. آمریکایی‌ها

اعلان کردند که میخواهند خاورمیانه‌ی بزرگ درست کنند – یک‌وقت گفتند خاورمیانه‌ی نوین، یک‌وقت گفتند خاورمیانه‌ی بزرگ – مقصود این بود که در این منطقه‌ی غرب آسیا و در قلب کشورهای اسلامی، دولت جعلی رژیم صهیونیستی را بر همه‌ی امور این منطقه از لحاظ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مسلّط کنند؛ هدفشان این بود. الان شما نگاه کنید ببینید همانهایی که شعار خاورمیانه‌ی بزرگ میدادند، در قضیه‌ی سوریه درمانده‌اند، در قضیه‌ی یمن درمانده‌اند، در قضیه‌ی عراق درمانده‌اند، در قضیه‌ی فلسطین درمانده‌اند و اینها همه را از چشم ایران می‌بینند، از چشم جمهوری اسلامی می‌بینند. دشمنی آنها با جمهوری اسلامی این‌جوری است؛ اختلاف آنها با جمهوری اسلامی سرِ یک‌ذرّه و دوذرّه نیست؛ مسئله، مسئله ی اساسی است؛ دارند حرکت میکنند بیایند به این سمت که بلکه بتوانند آن سلطه‌ی قدیمی خودشان را برقرار کنند.

اوّل انگلیس‌ها، بعد هم آمریکایی‌ها!!

جوانهای عزیز ما رژیم طاغوت را ندیده‌اند؛ من به شما جوانهای عزیز عرض بکنم که در کشور ما، در طول این حدود پنجاه یا شصت سال – یعنی در دوره‌ی حکومت پهلوی و مقداری قبل از آن – اوّل انگلیس‌ها، بعد هم آمریکایی‌ها زمام امور را در دست داشتند و هر کاری میخواستند میکردند؛ مثلاً حکومت پهلوی را سرِ کار آوردند؛ رضاخان را سرِ کار آوردند و بعد که به جهتی از او دلخور شدند، او را بردند، محمّدرضا را آوردند؛ یعنی در یک کشوری به این بزرگی و با این عظمت، در قبال این ملّت، آمریکایی‌ها یا انگلیسی‌ها براحتی رئیس این کشور را به میل خودشان میبرند، یکی را می‌آورند به جای او، و بین خودشان؛ وضع آنها در ایران این‌جوری بود. خب، چه‌جوری توانسته بودند این تسلّط را پیدا کنند؟ در اینجا سنگرهایی به‌وجود آورده بودند که اوّل رژیم انگلیس، بعد رژیم آمریکا در سالهای بعد یا دهه‌های بعد، از این سنگرها استفاده میکردند برای دوام سلطه‌ی خودشان بر این کشور. انقلاب آمد و به دست جوانهای خودش این سنگرها را تخریب کرد، منهدم کرد و به جای آن، سنگرهایی برای حفاظت از انقلاب و برای حفاظت از جمهوری اسلامی و منافع ملّی به‌وجود آورد. اینها میخواهند بیایند آن سنگرهای تخریب‌شده‌ی قبلی را دوباره ترمیم کنند و این سنگرهایی را که به دست انقلاب و انقلابیون و جوانها به‌وجود آمده است از بین ببرند؛ هدف این است.

در یک کشوری به این بزرگی و با این عظمت، در قبال این ملّت، آمریکایی‌ها یا انگلیسی‌ها براحتی رئیس این کشور را به میل خودشان میبرند، یکی را می‌آورند به جای او، و بین خودشان؛ وضع آنها در ایران این‌جوری بود.

سنگرهایی را که به دست انقلاب و انقلابیون منهدم شد:

۱–رژیم دست‌نشانده‌ی طاغوت

حالا من چندتا از این سنگرها را برای شما میشمرم. مهم‌ترین سنگر رژیم‌های مستکبر – یعنی اوّل انگلیس، بعد آمریکا – در کشور ما عبارت بود از خود رژیم دست‌نشانده‌ی طاغوت. رژیم

دست‌نشانده‌ی طاغوت، سنگر اینها بود؛ به‌وسیله‌ی او بود که اینها هر کاری میخواستند در این کشور میکردند؛ هر فعّالیت اقتصادی، هر فعّالیت فرهنگی، هر فعّالیت سیاسی، هر جابه‌جایی، هر موضع‌گیری؛ هرجوری که مایل بودند، این کشور را و دولت این کشور را به این‌طرف و آن‌طرف میکشاندند؛ یعنی خود رژیم طاغوت مهم‌ترین سنگر آمریکا و انگلیس در این کشور بوده است. این یک سنگر. خب، انقلاب آمد، این سنگر را نابود کرد، از بین برد و ریشه‌کن کرد؛ حکومت پادشاهی را در کشور ریشه‌کن کرد و به‌جای حکومت پادشاهی و حاکمیت شخصی، حاکمیت مردمی را به‌وجود آورد. یک روزی بود در این کشور که میگفتند آقا! مملکت صاحب دارد؛ صاحب مملکت کیست؟ اعلیحضرت؛ این بود. این را مکرّر بر زبانها جاری میکردند که آقا، مملکت صاحب دارد؛ کیست صاحب مملکت؟ شاه صاحب مملکت بود، یعنی یک عنصر فاسد، نالایق، وابسته و غالباً تهی از غیرت ملّی، صاحب مملکت بود. خب، جمهوری اسلامی آمد این صاحب غاصب دروغین را کنار زد، مملکت را داد دست صاحبان اصلی‌اش که ملّتند؛ انتخابات میکنند، حضور پیدا میکنند، میخواهند، اثبات میکنند، نفی میکنند؛ این اوّلین سنگر دشمن بود که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی این سنگر را درهم ریخت.

یک روزی بود در این کشور که میگفتند آقا! مملکت صاحب دارد؛ صاحب مملکت کیست؟ اعلیحضرت؛ یعنی یک عنصر فاسد، نالایق، وابسته و غالباً تهی از غیرت ملّی، صاحب مملکت بود. خب، جمهوری اسلامی آمد این صاحب غاصب دروغین را کنار زد، مملکت را داد دست صاحبان اصلی اش که ملّتند؛

۲–ترس از قدرتها

ولی تنها این نبود، سنگرهای دیگری هم بود؛ عوامل روانی و عوامل عینی، سنگرهایی بودند که من دو سه موردش را برای شما میشمرم. یکی ترس بود، سنگر ترس؛ ترس از قدرتها. در کشور کاری کرده بودند که ترس از قدرت آمریکا بر همه‌ی دلها حاکم بود؛ عرض کردیم که در این دهه‌های آخر از آمریکا، قبلش هم ترس از انگلیس؛ هر حادثه ای در کشور اتّفاق می‌افتاد میگفتند کار انگلیس‌ها است؛ یعنی انگلیس‌ها را قدرت مطلق میدانستند. این ترس، مخصوص مردم نبود؛ خود سردمداران رژیم هم میترسیدند از آمریکا. این خاطراتی که عوامل رژیم نوشته‌اند و بعدها – بعد از انقلاب – این خاطرات منتشر شده است، نشان میدهد که در مواردی خود محمّدرضا و عوامل نزدیک به او از آمریکایی ها عصبانی بودند به‌خاطر تحقیری که میکردند، به‌خاطر بی‌اعتنایی‌ای که میکردند، امّا چاره ای نداشتند و مجبور بودند انقیاد(۳) بکنند؛ مجبور بودند از ترس اطاعت کنند؛ می ترسیدند. انقلاب اسلامی آمد و این سنگر ترس را منهدم کرد. **امروز در جمهوری اسلامی یک عنصر آگاهِ مطّلعِ متّکی به ارزشهای دینی را شما پیدا نمی کنید که از آمریکا بترسد؛** ملّت ترس را دور انداخت. ملّت نه فقط ترس از آمریکا را بلکه ترس از همه ی جبهه‌ی استکبار را دور ریخت. در دوران جنگ تحمیلی که هشت سال به طول انجامید – که باز متأسّفانه جوانهای ما آن دوران طلایی را درک نکرده‌اند، آن دوران نورانی را درک نکرده‌اند – آمریکا به صدّام کمک میکرد، ناتو به صدّام کمک میکرد، شوروی آن روز به صدّام کمک میکرد، ارتجاع عرب با همه‌ی بی‌لیاقتی و ضعفی که داشت، به صدّام کمک

میکرد؛ همه کمک میکردند؛ یعنی **شرق و غرب یک جبهه‌ی واحدی شده بودند به نفع صدّام و علیه جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی خم به ابرو نیاورد،** ایستاد و به توفیق الهی بر همه‌ی آنها هم غالب شد، بر همه‌ی آنها پیروز شد؛ بعد از هشت سال جنگ نتوانستند یک وجب از خاک ایران را از ایران جدا کنند. ترس را این‌جور از بین بردند. بله، من عرض کردم که امروز انسانهای خویشتن‌دار، انسانهای آگاه، انسانهای متّکی به ارزشهای اسلامی از آمریکا نمیترسند [امّا] چرا، امروز هم ممکن است بعضی‌ها بترسند امّا این ترس، غیر عقلائی است؛ اگر ترس محمّدرضا از آمریکا عقلائی بود، ترسِ اینها غیر عقلائی است؛ برای خاطر اینکه آنها پشتیبانی مثل مردم نداشتند و امروز جمهوری اسلامی پشتیبانی مثل این ملّت بزرگ دارد.

امروز انسانهای خویشتن دار، انسانهای آگاه، انسانهای متّکی به ارزشهای اسلامی از آمریکا نمیترسند [امّا] چرا، امروز هم ممکن است بعضی ها بترسند امّا این ترس، غیر عقلائی است؛ اگر ترس محمّدرضا از آمریکا عقلائی بود، ترسِ اینها غیر عقلائی است؛ برای خاطر اینکه آنها پشتیبانی مثل مردم نداشتند و امروز جمهوری اسلامی پشتیبانی مثل این ملّت بزرگ دارد.

۳-نداشتن اعتمادبه‌نفس ملّی

یکی از سنگرهای دشمن برای تسلّط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی‌اعتقادی به خود، بی‌اعتمادی به خود، نداشتن اعتمادبه‌نفس ملّی؛ در مقابل چشمشان زرق‌وبرق کشورهای غربی را مشاهده میکردند، پیشرفتهای علمی و پیشرفتهای فنّاوری و زرق‌وبرق تمدّنی مادّی آنها را میدیدند و در [کشور] خودشان اینها نبود، در کشور این چیزها نبود، عقب‌ماندگی بود، لذا احساس بی‌اعتمادی به خود میکردند، احساس ناباوری به خود میکردند. آن روز در دوران پهلوی، یکی از ارکان دولت گفت که ایرانی باید برود لولهنگ بسازد! شماها نمی دانید لولهنگ چیست؛ لولهنگ آفتابه‌ی گِلی [است]، آن هم نه آفتابه‌ی از جنس فلز. آن قدیمِ قدیم معمول بود که از جنس گِل آفتابه درست می کردند. می گفت ایرانی لیاقتش همین است که برود لولهنگ بسازد؛ ایرانی را چه به اختراعات! آن روز این‌جوری میگفتند. یک نفر دیگر از برجستگان آن دوران میگفت که ایرانی اگر بخواهد پیش برود، بایستی از فرق سر تا پا بشود غربی و اروپایی؛ باید همه چیزِ خودش را شبیه آنها بکند، شاید بتواند جلو برود؛ یعنی به خودشان باور نداشتند. خب، انقلاب آمد این ناباوری را بکلّی تبدیل کرد به باور به خود، اعتمادبه‌نفس ملّی؛ امروز جوان ایرانی میگوید ما میتوانیم. در بسیاری از موارد در پیشرفتهای علمی – غیر از آنچه حالا امروز بحمدالله در دسترس قرار گرفته است و پیشرفتهایی که تحقّق پیدا کرده است – **جوانهای ما گاهی اوقات یک فکرهای نویی را مطرح میکنند که دستگاه‌های مسئول توانایی ندارند اینها را جمع‌وجور کنند؛** جوان ایرانی اعتمادبه‌نفس دارد. وقتی باور به خود نبود، پیشرفت هم نیست؛ وقتی باور به خود بود، شعار «ما میتوانیم» بود، توانایی هم می‌آید؛ کشور میشود توانا، ملّت میشود توانا. امروز ما این را داریم مشاهده میکنیم.

پنجاه سال در این کشور در دوران طاغوت، قبل از انقلاب، دانشگاه وجود داشت؛ در این دانشگاه، هم اساتید متعهّد و خوبی بودند، هم دانشجویان بااستعدادی بودند – حالا تعداد نسبت

به امروز کم بود؛ از لحاظ نسبی خیلی کمتر از امروز [بود] لکن همانهایی که بودند، به‌هرحال جوانهای ایرانی بودند دیگر، جوانهای بااستعداد بودند – [ولی] یک حرکت علمی، یک پدیده‌ی نوِ علمی در تمام طول این پنجاه سال در ایران وجود ندارد. چرا؟ چون باور نمی کردند که بتوانند، اطمینان نداشتند به خودشان؛ این بی‌اطمینانی را تزریق کرده بودند در اذهان ملّت. امروز، ما هر روزی در کشور یک نوآوری داریم؛ نوآوری علمی، نوآوری فنّاوری. دشمنان ما وقتی می‌بینند این نوآوری‌ها را، عصبانی میشوند. امروز کشور ما با وجود تحریم در رشته‌های متعدّدی از دانشهای پیشرفته، جزوِ ده کشور اوّل دنیا است. حالا آنچه جلوی چشم مردم است، **ابزارهای نظامی** و همین وسایل جنگی‌ای است که شما ملاحظه میکنید در اختیار سپاه و ارتش و دیگران هست. پیشرفتهایی که اینها در زمینه‌های گوناگون کرده‌اند، در زمینه‌ی **نانو** و در همین زمینه‌ی **هسته‌ای**، به‌خاطر باور به خود است. یکی از سنگرهای دشمن در ایران، ناباوری ملّت به خود بود، و یکی از سنگرهای بزرگ پیروزی ملّت و جوانان ملّت، باور به خود و روحیه‌ی «ما میتوانیم » است. این هم یکی از سنگرهای دشمن بود.

حتّی متدینین ، بعضی از علمای دین باور نمی کردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند؛ این در حالی است که اصل تولّد اسلام در اوّل، با رویکرد سیاسی بود. پیغمبر اکرم اوّلین کاری که در مدینه کرد، حکومت تشکیل داد، امّا این باور را در ذهنها گنجانده بودند و از این سنگر علیه نظام و علیه کشور و علیه مردم فعّالیت می کردند. جمهوری اسلامی این سنگر را هم منهدم کرد.

۴–جدایی دین از سیاست

یک سنگر دیگر از سنگرهای دشمن، جدایی دین از سیاست بود. به همه باورانده بودند که دین باید در محیط سیاست، در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت نکند؛ این را باورانده بودند. حالا آنهایی که با دین سروکار نداشتند که به جای خود، حتّی متدینین و حتّی بعضی از علمای دین باور نمیکردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند؛ این در حالی است که اصل تولّد اسلام در اوّل، با رویکرد سیاسی بود. پیغمبر اکرم اوّلین کاری که در مدینه کرد، حکومت تشکیل داد، امّا این باور را در ذهنها گنجانده بودند و از این سنگر علیه نظام و علیه کشور و علیه مردم فعّالیت میکردند. جمهوری اسلامی آمد و این سنگر را هم منهدم کرد و نابود کرد. امروز درباره‌ی مسائل کشور از دیدگاه اسلامی و قرآنی، جوانهای ما و دانشجوهای ما در دانشگاه‌های ما [هم] دارند کار میکنند و تلاش میکنند، چه برسد به علما و حوزه‌های علمیه و مانند اینها.

من که میگویم«دشمن» ، مقصودم دولت آمریکا است؛ تعارف هم نمی کنم!!

خب، من که میگویم «دشمن» ، مقصودم دولت آمریکا است؛ تعارف هم نمیکنیم. البتّه آنها میگویند که ما دشمن شما نیستیم، ما دوست [شما هستیم]. پیام نوروزی به مردم ما داده‌اند و برای جوانهای ما دلسوزی کرده‌اند؛ یا در کاخ سفید سفره‌ی هفت سین پهن

میکنند! خب اینها بچّه‌گول‌زنی است؛ کسی اینها را باور نمیکند. از آن‌طرف تحریمها را حفظ میکنند، از آن‌طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا با طرقی که خودشان دارند و خودشان اقرار کرده‌اند، جوری عمل میکند که شرکتهای بزرگ، بنگاه‌های بزرگ و بانک‌های بزرگ جرئت نکنند نزدیک بیایند و با جمهوری اسلامی معامله کنند؛ از آن‌طرف این کارها را می کنند – تحریم میکنند و تهدید میکنند – که دشمنی محض است، از آن‌طرف هم در کاخ سفید سفره‌ی هفت‌سین پهن میکنند یا در پیام عید نوروز میگویند ما برای جوانهای ایرانی دنبال اشتغال هستیم! خب، کسی اینها را باور نمیکند. اینها ملّت ما را هنوز نشناخته اند؛ ملّت ایران را نشناخته‌اند. ملّت ایران ملّت فهیمی است، آگاه است، دشمنان خودش را می‌شناسد، شیوه های دشمنی را هم می‌شناسد. بله، ما با مردم آمریکا مشکلی نداریم؛ ما با هیچ ملّتی و با هیچ آحاد مردمی مشکل نداریم؛ ما با سیاستها کار داریم، با سیاستمدارها کار داریم؛ آنها دشمن هستند.

در قضیه‌ی برجام بدعهدی کردند و به تحریمهای دیگری ما را تهدید کردند. وزیر خزانه داری آمریکا بشدّت شب وروز مشغول کار است برای اینکه نگذارند که جمهوری اسلامی از نتایج برجام بهره‌مند بشود. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم چند ماه دیگر شروع خواهد شد و هیچ تضمینی وجود ندارد که این دولتی که بعداً به وجود خواهد آمد، همین تعهّدات اندکی را هم که این دولت [فعلی] کرده است عمل بکند.

واقعیت های موجود:

۱–ظرفیتهای فراوان و سرمایه‌های فراوانی که در کشور ما وجود دارد

من خلاصه کنم مطلب را که اساس آنچه میخواستیم عرض بکنیم از دست نرود. واقعیتهایی وجود دارد: یک واقعیت عبارت است از ظرفیتهای فراوان و سرمایه‌های فراوانی که در کشور ما وجود دارد؛ هم سرمایه‌های طبیعی داریم، هم سرمایه‌های انسانی داریم، هم فرصتهای بین‌المللی داریم. امروز کشور ما به‌خاطر این سرمایه‌ها ظرفیت پیشرفت فوق‌العاده‌ای را در درون خود دارد. این یک واقعیت. امروز جمهوری اسلامی به یک قدرت اثرگذار در سطح منطقه و در مواردی در سطح جهان تبدیل شده است؛ این یک واقعیتی است که وجود دارد. قدر خودمان را بدانیم، ارزش و اهمّیت خودمان را بدانیم، عظمت این ملّت را بدانیم.

۲–آمریکا به دلایل واضحی با ما دشمن است

دوّم [اینکه] آمریکا به دلایل واضحی با ما دشمن است؛ همین‌طور که عرض کردیم، مرادمان سیاستمداران آمریکا و سیاستهای آمریکا است. در قضیه‌ی برجام بدعهدی کردند و به تحریمهای دیگری ما را تهدید کردند. همین‌طور که گفتم، وزیر خزانه‌داری آمریکا بشدّت شب‌وروز مشغول کار است برای اینکه نگذارند که جمهوری اسلامی از نتایج برجام بهره مند بشود. خب، اینها دشمنی است. مرتّباً تهدید میکنند و مرتّباً به تحریمهای بیشتر تهدید میکنند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم چند ماه دیگر – هفت هشت ماه دیگر – شروع خواهد شد و تا نُه ماه دیگر این دولت فعلی آمریکا عوض خواهد شد و هیچ تضمینی وجود ندارد که این دولتی که بعداً به‌وجود خواهد آمد، همین تعهّدات اندکی را هم که این دولت [فعلی] کرده است عمل بکند. الان نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا در سخنرانی‌های انتخاباتی‌شان مسابقه

گذاشته‌اند در بدگویی به ایران؛ خب این دشمنی است دیگر؛ دشمنی که شاخ ودم ندارد. وقتی میگوییم آمریکا دشمن است، یک عدّه‌ای منزعج(۴) میشوند که چرا میگویید دشمن؟ دشمن است؛ اینها دشمنی است. این‌هم یک واقعیت. (۵) توجّه کنید، فراموش نکنید که ما گفته‌ایم ملّت و دولت باید همدل و هم‌زبان باشند؛ این را یادتان نرود. همه باید کار کنند و به دولت باید کمک کنند. اگر راهنمایی‌ای هم دارند، راهنمایی را به دولت بکنند. باید به دولت کمک کنند.

۳–ابزارهای دشمنی این دشمنِ بظاهر مقتدر نامحدود نیست

واقعیت سوّم این است که ابزارهای دشمنی این دشمنِ بظاهر مقتدر نامحدود نیست؛ چند ابزار اساسی دارد که اینها ابزارهای فعّال او است: یکی **تبلیغات** است – ایران‌هراسی –، یکی **نفوذ** است، یکی هم **تحریم** است. من درباره‌ی نفوذ، در این چند ماه اخیر مکرّر صحبت کرده‌ام، تکرار نمیکنم؛ درباره‌ی تبلیغات هم بحث زیاد است. میخواهم راجع به تحریم صحبت کنم.

الان نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا در سخنرانی های انتخاباتی شان مسابقه گذاشته اند در بدگویی به ایران؛ خب این دشمنی است دیگر؛ دشمنی که شاخ ودم ندارد. وقتی میگوییم آمریکا دشمن است، یک عدّه ای منزعج(٤) میشوند که چرا میگویید دشمن؟ دشمن است؛ اینها دشمنی است.

دشمن احساس کرده است که با ابزار تحریم می تواند بر ملّت ایران فشار بیاورد

یکی از سه ابزار مؤثّر دشمن عبارت است از تحریم. دشمن احساس کرده است که کشور ما و ملّت ما از تحریم ضربه میبینند؛ متأسّفانه خود ما هم این برداشت را در او تقویت کردیم. یک جاهایی و در یک برهه‌ای دائم تحریم را بزرگ کردیم که آقا تحریم است، تحریم است، باید تحریم را برداریم، اگر تحریم باشد این‌جور به ما ضربه میخورد و مانند اینها؛ از آن‌طرف هم برداشتن تحریمها را باز تقویت کردیم، بزرگ کردیم، بزرگنمایی کردیم که اگر تحریمها برداشته بشود این اتّفاق خواهد افتاد، آن اتّفاق خواهد افتاد؛ اتّفاقاتی که نیفتاد و اگر همین‌جور هم پیش برویم نخواهد افتاد. لکن دشمن احساس کرده است که با ابزار تحریم میتواند بر ملّت ایران فشار بیاورد؛ دشمن این را احساس کرده است. پس آنچه در مقابل ما امروز وجود دارد عمدتاً عبارت است از تحریم.

برای مقابله با تحریم چه‌کار باید بکنیم؟

ما برای اینکه با تحریم مقابله کنیم چه‌کار باید بکنیم؟ اوّلِ صحبت عرض کردم که یک دوراهی‌ای را دشمن نشان میدهد به ما؛ میگوید یا بیایید تسلیم آمریکا بشوید و هر چه او میگوید گوش کنید، یا فشار و تحریم ادامه پیدا میکند؛ این یک دوراهی است که گفتیم غلط و دروغ است، امّا **یک دوراهی دیگری وجود دارد: یا بایستی مشکلات**

تحریم را تحمّل کنیم یا ایستادگی کنیم به‌وسیله‌ی اقتصاد مقاومتی. (۶) خیلی خب، آمادگی شما خوب است، منتها برای اقتصاد مقاومتی، صِرف آمادگی کافی نیست؛ ما گفتیم «اقدام و عمل». البتّه دولت محترم در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی کارهایی کرده‌اند؛ ما گفتیم یک ستاد فرماندهی تشکیل بدهید برای اقتصاد مقاومتی، تشکیل دادند و معاون اوّل رئیس جمهور محترم را در رأس آن گذاشتند؛ کارهایی هم کردند، گزارشش را هم به من دادند که من امروز در پیام اوّل سال به ملّت عزیزمان این را گفتم؛ منتها اینها کارهای مقدّماتی است. به من گزارش داده‌اند که بر اثر فعّالیتهایی که انجام گرفته است، تراز بازرگانی مثبت شده یعنی صادرات غیر نفتی‌مان از وارداتمان بیشتر است؛ خب، این خبر بسیار خوبی است؛ یا اینکه مثلاً فرض بفرمایید واردات ما از سال گذشته کمتر شده است؛ اینها خبرهای خوبی است، منتها اینها کفایت نمیکند و کار با اینها تمام نمیشود؛ کارهای اساسی باید انجام بگیرد. من چند کار را اینجا ذکر کرده‌ام که این کارها باید در زمینه‌ی «اقدام و عمل» انجام بگیرد.

کارهایی که باید در زمینه اقدام و عمل انجام بگیرد:

۱–شناسایی فعّالیتها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور و تمرکز بر آنها

اوّل مسئولین محترم دولتی باید فعّالیتها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور را شناسایی کنند و بر آنها متمرکز بشوند؛ بعضی از فعّالیتهای اقتصادی در کشور اولویت دارد، اهمّیت دارد، مثل مادر میماند و از آن، بابهای متعدّد اقتصادی و تولیدی گشوده میشود؛ روی آنها بایست تمرکز کنند؛ آنها را باید شناسایی کنند و نقشه‌ی راه را مشخّص کنند و تکلیف همه را معلوم بکنند.

۲–زنده کردن تولید داخلی

دوّمین مسئله در این «اقدام و عمل»ای که ما گفتیم باید مورد توجّه قرار بگیرد، زنده کردن تولید داخلی است. آن‌طوری که به من گزارش کرده‌اند، امروز حدود شصت درصد از امکانات تولید ما معطّل است، تعطیل است؛ بعضی‌ها به کمتر از ظرفیت کار میکنند، بعضی‌ها کار نمیکنند؛ بایستی ما تولید را زنده کنیم، تولید را احیاء کنیم. [البتّه این]، راه دارد؛ این راه را خیلی از اقتصاددان‌های متعهّد بلدند. **من به مسئولین محترم دولتی مکرّر گفته ام این منتقدینی را که هستند بخواهید، حرفهایشان را بشنوید؛ گاهی پیشنهادهای خوبی دارند؛ میتوان تولید را احیاء کرد و در کشور به حرکت درآورد.**

دشمن احساس کرده است که کشور ما از تحریم ضربه می بیند؛ متأسّفانه خود ما هم این برداشت را در او تقویت کردیم. یک جاهایی دائم تحریم را بزرگ کردیم که آقا تحریم است، باید تحریم را برداریم، اگر تحریم باشد این‌جور به ما ضربه میخورد از آن طرف هم برداشتن تحریمها را بزرگنمایی کردیم که اگر تحریمها برداشته بشود این اتّفاق خواهد افتاد، آن اتّفاق خواهد افتاد.

۳–خریدهای خارجی ما، قدرت تولید داخلی ما را تضعیف نکند

کار سوّم اینکه ما بالاخره تجارت خارجی داریم، واردات داریم، به یک چیزهایی احتیاج داریم که از خارج وارد کنیم، مجبوریم اینها را بخریم، اشکالی هم ندارد، لکن توجّه کنیم که این خریدهای ما، قدرت تولید داخلی ما را تضعیف نکند. فرض بفرمایید ما میخواهیم مثلاً هواپیما وارد بکنیم یا خریداری بکنیم؛ به ما گفته میشود – خود مسئولین دولتی میگویند – که اگر چنانچه فلان درصد از این قیمت را ما در صنایع داخلی هواپیما سرمایه‌گذاری کنیم، بیشتر از آنکه از خارج بخریم استفاده خواهیم کرد و تولید داخلی هم رشد پیدا میکند. اینکه ما همه‌چیز را از خارج وارد کنیم و نگاه نکنیم که این خرید ما، این واردات ما چه بلایی سر تولید داخلی می‌آورد خطا است؛ پس بنابراین در خریدها کاری کنیم که تولید داخلی تضعیف نشود.

۴–پرهیز از هدر دادن منابع مالی خارج از کشور که قرار است برگردد

چهارم؛ ما پولهایی داریم در خارج از کشور؛ [مثلاً] نفت فروخته‌ایم، پولش را به ما نداده‌اند. در قضیه‌ی برجام بنا بر این شد که این پولها برگردد – البتّه اکثرش برنگشته، اغلبش برنگشته و دچار مشکل است؛ دست آمریکایی‌ها را انسان مشاهده میکند پشت این [قضیه]؛ البتّه انگیزه‌های دیگری هم وجود دارد، لکن بدجنسی بعضی از دستگاه‌های آمریکایی موجب شده است که این پولها برنگردد؛ لکن بالاخره برخواهد گشت – وقتی‌که این پولهای موجود ما در خارج که حالا هر چند ده میلیاردی که هست برگشت، در مصارفی به کار نرود که این پول هدر بشود. این پولی است که وارد کشور میشود، کشور نیاز دارد و در درجه ی اوّل مثلاً تولید است؛ مواظب باشند این پولی که وارد میشود، هدر نرود، از بین نرود، صَرف خریدهای بی‌مورد، صَرف کارهای بی‌جا، صرف اسرافها نشود؛ یعنی مدیریت منابع مالی ای که از بانک‌ها و مراکز خارجی به کشور وارد میشود.

اینکه ما همه‌چیز را از خارج وارد کنیم و نگاه نکنیم که این خرید ما، این واردات ما چه بلایی سر تولید داخلی می‌آورد خطا است؛ پس بنابراین در خریدها کاری کنیم که تولید داخلی تضعیف نشود.

۵–بخشهای حسّاس و مهم اقتصاد ، دانش‌بنیان بشود

مسئله ی پنجم؛ بخشهایی در اقتصاد ما وجود دارد که مهم و دارای اهمّیت است؛ مثلاً بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، برای هواپیما، برای قطار، برای کشتی مورد استفاده است، این بخشهای حسّاس و مهم، دانش‌بنیان بشود. اینکه ما میگوییم اقتصاد دانش‌بنیان [این است]. جوانهای ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که میتوانند نوآوری کنند، میتوانند ما را از آن سطحی که در فنّاوری داریم بالاتر ببرند. خب، این کار کوچکی است که موشک بُرد بلند را جوری تنظیم کنند که در دوهزار کیلومتری با انحراف دو متر یا پنج متر به هدف بخورد؟ خب آن مغزی که میتواند این کار را بکند، در موارد گوناگون دیگر هم میتواند؛ مثلاً فرض کنید که سطح موتور خودرو را با یک پیشرفتی بالا ببرد که فرض

کنیم مصرفش کم بشود، یا موتور قطار را به فلان شکل به‌وجود بیاورد؛ میتوانند. همین الان در کشور ما بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی‌ای وجود دارند که کارهایی که آنها انجام میدهند و تولید میکنند، یا از مشابه خارجی‌اش بهتر است یا برابر آنها است؛ همین الان داریم؛ خب اینها را باید تقویت کرد. پس بنابراین دانش‌بنیان شدنِ بخشهای مهمّ اقتصاد داخلی، یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام بگیرد.

۶–بهره‌برداری از بخش های اقتصادی که قبلا در آنها سرمایه گذاری شده است

ششم؛ ما در گذشته روی بعضی از بخشها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؛ از آنها بهره‌برداری بشود و استفاده بشود. ما در زمینه‌ی نیروگاه‌سازی در کشور سرمایه‌گذاری خوبی کردیم؛ در زمینه ی پتروشیمی سرمایه‌گذاری خوبی کردیم. امروز کشور به نیروگاه احتیاج دارد، کشورهای دیگر هم به نیروگاه ارزانی که ما میسازیم احتیاج دارند. ما دیگر نرویم از بیرون نیروگاه بخریم وارد کنیم، یا افرادی بیاوریم برای ما نیروگاه درست کنند. این قسمتهایی که سرمایه‌گذاری شده است، برایش تلاش شده است و زحمت کشیده شده است، احیاء بشود و از آنها استفاده بشود.

۷–در همه‌ی معاملات خارجی ، انتقال فنّاوری را شرط کنیم

مطلب هفتم؛ در همه‌ی معاملات خارجی‌ای که ما انجام میدهیم، انتقال فنّاوری را شرط کنیم. البتّه برادران ما در دولت به ما گفتند که ما این کار را کردیم و میکنیم؛ من تأکید میکنم و تکرار میکنم برای اینکه غفلت نشود. فرض کنید [اگر] یک وسیله‌ای را یا یک شیء تولیدی جدیدی را میخواهند بخرند، تولیدشده را نخرند، [بلکه] آن شیء را با فنّاوری مخصوص خودش تهیه کنند و بیاورند؛ فنّاوری را داخل کشور کنند. در قراردادها این را باید بشدّت مورد توجّه قرار بدهند.

این کار کوچکی است که موشک بُرد بلند را جوری تنظیم کنند که در دوهزار کیلومتری با انحراف دو متر یا پنج متر به هدف بخورد؟ آن مغزی که میتواند این کار را بکند، در موارد گوناگون دیگر هم میتواند

۸–مبارزه جدی با فساد ، ویژه خواری و قاچاق

مسئله‌ی هشتم؛ با فساد مبارزه‌ی جدّی بشود، با ویژه‌خواری مبارزه‌ی جدّی بشود، با قاچاق مبارزه‌ی جدّی بشود؛ اینها دارد به اقتصاد کشور لطمه میزند و ضررش را مردم میبرند. اگر ما در مقابل آن مجموعه‌ای که فرض بفرمایید با زدوبست‌هایی در زمینه ی مسائل اقتصادی ویژه‌خواری میکنند، خودشان را از امتیازات ویژه برخوردار میکنند و یا دچار فساد پولی و مالی و اقتصادی میشوند، سهل‌انگاری کنیم، قطعاً کشور ضرر خواهد کرد؛ نباید سهل‌انگاری بشود. البتّه در مقام بیان و در روزنامه‌ها و جنجال و بخصوص با جهت‌گیری‌های سیاسی، حرفهای قشنگ خوبی زده میشود امّا اینها فایده‌ای ندارد. حالا یک مجرم اقتصادی را مثلاً فرض کنیم دستگیر کردند، روزنامه‌ها درباره‌اش بنویسند و عکس و تفصیلات و کارهایی مانند اینها را با اهداف جناحی و سیاسی بکنند، اینها فایده‌ای ندارد؛ دو صد گفته چون نیم کردار نیست. باید جلوی آن

فسادی را که امروز ممکن است پیش بیاید بگیرند و مانع فساد بشوند. قاچاق همین جور است؛ مانع قاچاق [بشوند]. باید با قاچاق، به‌معنای واقعی کلمه مبارزه کنند.

۹–ارتقای بهره‌وری از انرژی

مطلب بعدی بهره‌وری از انرژی [است]. من یک‌وقتی هم اینجا در یکی از همین سخنرانی‌های اوّل سال، چند سال قبل از این، این را گفتم(۷) که ادّعا میشود و گفته میشود که اگر ما بتوانیم بهره‌وری انرژی را ارتقا بدهیم، بالا ببریم و صرفه‌جویی کنیم، صد میلیارد دلار صرفه‌جویی خواهد شد؛ مبلغ کمی نیست، مبلغ زیادی است؛ این را جدّی بگیرند. این‌همه کارهای گوناگون دارد در این مملکت انجام میگیرد، بعضی هایش غیر لازم، بعضی‌هایش مضر؛ خب کار را در این‌جور بخشها متمرکز کنند. این شد «اقدام و عمل»؛ اقدام یعنی این چیزها – البتّه شنیدم این، مصوبّه‌ی مجلس هم هست؛ ارتقای بهره‌برداری از انرژی، مصوبّه‌ی مجلس شورای اسلامی است – واقعاً بررسی کنند که اگرچنانچه یک چنین چیزی وجود دارد، باید روی این متمرکز بشوند و کار کنند.

یک مجرم اقتصادی را مثلاً فرض کنیم دستگیر کردند، روزنامه ها درباره اش بنویسند و عکس و تفصیلات و کارهایی مانند اینها را با اهداف جناحی و سیاسی بکنند، اینها فایده‌ای ندارد؛ دو صد گفته چون نیم کردار نیست. باید جلوی آن فسادی را که امروز ممکن است پیش بیاید بگیرند و مانع فساد بشوند.

۱۰–نگاه ویژه به صنایع متوسّط و کوچک

و [مطلب] دهم؛ به صنایع متوسّط و کوچک نگاه ویژه بکنند. الان چندین هزار کارگاه و کارخانه‌ی متوسّط و کوچک در کشور هست؛ اگرچنانچه این آماری که به من داده‌اند و بنده گفتم که شصت درصد از اینها الان دچار بیکاری و تعطیل هستند درست باشد، خسارت است. آن چیزی که در متن جامعه اشتغال ایجاد میکند، تحرّک ایجاد میکند و طبقات پایین را بهره‌مند میکند، همین صنایع کوچک و متوسّط است؛ اینها را تقویت کنند و پیش ببرند.

خب، این ده نقطه‌ی کار که اگرچنانچه اقدام و عمل بخواهد انجام بگیرد برای اقتصاد مقاومتی، این ده کار میتواند انجام بگیرد. البتّه کارهای دیگری هم میشود انجام داد که مسئولین نگاه میکنند و بررسی میکنند. بنده ده مورد را این‌جوری پیشنهاد میکنم. این میشود جریان انقلاب، این میشود حرکت انقلابی در کشور، این میشود اقتصاد مقاومتی ای که کشور را نجات خواهد داد. اگر این کارها را بکنیم، ما میتوانیم در مقابل آمریکا بِایستیم و تحریمهای او در ما اثر نکند. ما احتیاج نداریم از ارزشهای خودمان، از خطوط قرمز خودمان، از اصول خودمان صرف‌نظر کنیم تا آمریکا نتواند ما را تحریم بکند؛ ما با دنبال کردنِ همین سیاست اقتصاد مقاومتی، به‌معنای عملی مسئله و اقدام عملی موضوع، میتوانیم کشور را مصونیت‌سازی کنیم؛ میتوانیم مصونیت بدهیم کشور را تا دیگر در مقابل تحریم به خودمان نلرزیم که ما را تحریم خواهند کرد. خب تحریم بکند؛ اگر اقتصاد مقاومتی شد، تحریم دشمن تأثیر قابل توجّهی نخواهد کرد. این میشود حرکت انقلابی و حرکت مؤمنی. آن‌وقت

اگر ما این کارها را کردیم، مسئولین محترم دولتی آخر سال ۹۵ میتوانند بیایند گزارش بدهند که ما این چند هزار کارگاه و کارخانه و مزرعه و دامداری و امثال اینها را احیاء کردیم. میتوانند بیایند اینها را بگویند؛ میتوانند به مردم گزارش بدهند، مردم هم ببینند و حس کنند. وقتی مردم حس کردند، آن‌وقت اعتماد و اطمینان پیدا میکنند.

سه قوّه باید با یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم هم باید کمک کنند

و البتّه باید مردم کمک کنند. من به شما عرض بکنم که مردم – چه افراد سیاسی، چه افراد اقتصادی، چه آحاد مردم – باید به دولت کمک کنند، به مسئولین کشور کمک کنند. این کار البتّه فقط هم کار دولت نیست؛ هر سه قوّه باید با یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم هم باید کمک کنند به اینها؛ این کمک لازم است و جدّیت مسئولین بخصوص قوّه ی مجریه هم لازم است. اگر بتوانیم این حرکت را راه بیندازیم، عرض کردیم که این جریان، جریان انقلابی است و هم سرعت خواهد داشت، هم موفّقیت خواهد داشت.

اگر اقتصاد مقاومتی شد، تحریم دشمن تأثیر قابل توجّهی نخواهد کرد. این میشود حرکت انقلابی و حرکت مؤمنی. آن‌وقت اگر ما این کارها را کردیم، مسئولین محترم دولتی آخر سال ۹۵ میتوانند بیایند گزارش بدهند که ما این چند هزار کارگاه و کارخانه و مزرعه و دامداری و امثال اینها را احیاء کردیم.

در هرجایی که کار انقلابی کردیم، هم سرعت داشت، هم موفّقیت داشت

ما در هرجایی که کار انقلابی کردیم، اینها را داریم. ببینید! کاری که **شهدای هسته‌ای** ما در زمینه‌های هسته‌ای که بسیار هم حسّاس است پیشاهنگش بودند، کاری که **شهید طهرانی‌مقدّم** پیشاهنگش بود، کاری که **شهید کاظمی**(۸) در زمینه‌ی سلّول‌های بنیادی پیشاهنگش بود، کارهای بسیار بزرگی است. در زمینه‌های فرهنگی [هم] کاری که **شهید آوینی** پیشاهنگش بود و در این اواخر [هم] **مرحوم سلحشور** – که **اینها پیشروان کار انقلابی در این کشورند** – اینها را باید ترویج کرد، اینها را باید تقدیر کرد و نام اینها را باید گرامی داشت. کار انقلابی این است. اینکه من بارها تکرار میکنم که نیروهای انقلابی را و نیروهای حزب‌اللّهی را باید گرامی بداریم و باید نگه بداریم، به‌خاطر این است؛ کار وقتی با روحیه ی انقلابی شد، پیشرفت خواهد کرد. من بحث اقتصاد مقاومتی را عرض کردم؛

بنده به مسائل فرهنگی بسیار اهمّیت میدهم

فقط یک کلمه [هم] در باب مسائل فرهنگی عرض بکنم. میدانید که مسائل فرهنگی به نظر من بسیار مهم است؛ بنده به مسائل فرهنگی اهمّیت بسیار زیادی میدهم و آنچه امروز میخواهم عرض بکنم، همان مطلبی است که به نظرم سال گذشته بود یا سال قبلش بود که در همین جلسه‌ی اوّل سال عرض کردم(۹) که این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی میکنند – که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه‌ی خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار میکنند، خودشان فکر میکنند، خودشان تلاش میکنند و کار فرهنگی میکنند – روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچّه‌مسلمانها، به روی جوانهای مؤمن، به روی بچّه‌های انقلابی، به روی بچّه‌های حزب‌اللّهی باز کنند؛ اینها میتوانند کار کنند و دارند کار میکنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام میگیرد. در همه‌ی زمینه‌ها جوانان انقلابی ما میتوانند تلاش کنند، کار کنند. جوانان عزیز! کشور مال شما است، فردا مال شما است، امروز هم مال شما است؛ بدانید **شما اگر در میدان باشید، شما اگر با ایمان به خدا و توکل به خدا حرکت کنید، شما اگر باور به خود داشته باشید، آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا هیچ غلطی نمیتوانند بکنند.**

دستگاه های دولتی،به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچّه مسلمانها، به روی جوانهای مؤمن، به روی بچّه های انقلابی، به روی بچّه‌ها حزب اللّهی باز کنند؛ اینها میتوانند کار کنند و دارند کار می کنند

پروردگارا! آنچه گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ آن را به کرمت از ما قبول بفرما. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد، ارواح شهدای عزیز را از ما راضی کن؛ روح مطهّر امام بزرگوار را از ما راضی کن. پروردگارا! به این ملّت، عزّت روزافزون، شوکت روزافزون، قدرت روزافزون و توانایی‌های روزافزونِ همه‌جانبه عنایت بفرما. پروردگارا! ما را از خدمتگزاری به این ملّت و به اسلام و مسلمین و به این کشور زوال میاور. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد، آنچه را گفتیم، آنچه را خواستیم و آنچه را تو میدانی که ما به آن احتیاج داریم، ولو بر زبان نیاوردیم، به ما عنایت بفرما. پروردگارا! روح مطهّر برادر عزیزمان مرحوم آقای طبسی (رضوان الله تعالی علیه) را با اولیائت محشور بفرما.

والسّلام‌علیکم‌ورحمه الله‌وبرکاته

۱) حجّت‌الاسلام والمسلمین عبّاس واعظ طبسی (تولیت فقید آستان قدس رضوی)

۲) «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» ۳) اطاعت ۴) ناراحت و بی‌قرار

۵) شعار مردم: «دولت تدبیر و امید! بصیرت، بصیرت» ۶) شعار حضار: ای رهبر آزاده / آماده‌ایم آماده

۷) بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی (۸۸/۱/۱)۸) دکتر سعید کاظمی آشتیانی (رئیس پژوهشکده‌ی رویان)

۹) بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدّس (۹۳/۱/۱)

اینها پیشروان کار
انقلابی در این
کشورند؛
اینها را باید ترویج کرد، اینها را باید
تقدیر کرد و نام اینها را باید گرامی
داشت
۹۵/۱/۱

در قضیه‌ی هسته‌ای توافق شد و اسم این را گذاشتیم «برجام»؛ برجام دیگری در قضایای منطقه، برجام دیگری در قضایای قانون اساسی کشور؛ برجام ۲ و ۳ و ۴ و الی‌غیرذلک بایستی به‌وجود بیاید تا ما بتوانیم راحت زندگی کنیم. این منطقی است که سعی میکنند این منطق را در بین نخبگان جامعه و از سوی نخبگان جامعه به افکار عمومی جامعه منتقل کنند.

تدریجاً موضوع را به این خواهند کشاند که اصلاً چرا نیروی قدس تشکیل شده است، چرا سپاه تشکیل شده، چرا سیاستهای داخلی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی، باید با اسلام تطبیق داده بشود؛ مطلب به اینجاها میرسد. شما وقتی در مقابل دشمن، درحالی‌که میتوانید ایستادگی کنید، عقب‌نشینی کردید، دشمن جلو می‌آید

۹۴/۱۱/۲۸

کد جزوه : ۱۰۲۵

مرکز جزوه : تولید وتوزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی

Markazejozveh.ir

50001333331388

فروش : وارثین؛ خیابان امام خمینی شمالی(بین بلوار ۴۵متری و میدان بسیج)- بین خیابان معاد و بوذرجمهری روبروی بانک کشاورزی طبقه زیرزمین

تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴